

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَانِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَزَّوَالٌ لَهُ وَلَا اِضْمِحَالٌ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزَخْرُفِهَا وَزُبُرْجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ، فَاقْبَلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالنَّسَاءَ الْجَلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ؛

ستایش ویژه خدا، پروردگار جهانیان است و درود و سلام خدا، سلامی کامل، بر سرور ما محمد، پیامبرش و اهل بیت او. خدایا تو را ستایش، بر آنچه به آن جاری شد قضای تو درباره اولیایت، آنان که تنها برای خود و دینت برگزیدی، آنگاه که برای ایشان اختیار کردی، فراوانی نعمت پابرجایی که نزد توست، نعمتی که تباهی و نابودی ندارد، پس از آنکه بی‌میل بودن نسبت به رتبه‌های این دنیای فرومیایه و زیب و زیورش را با آنان شرط کردی، آنان هم آن شرط را از تو پذیرفتند و تو هم وفا نمودن به آن را از جانب آنان دانستی، پس قبولشان کردی و مقرب درگاهشان نمودی و برای آنان یاد والا و ثنای روشن پیش آوردی و فرشتگان را بر آن‌ها فرو فرستادی و به وحیات بزرگشان داشتی و از دانشت به آنان عطا کردی؛

وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، فَبَعْضٌ أَسْكَنَتْهُ جَنَّاتُكَ إِلَيَّ أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكَكَ، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ أَمِنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا، وَسَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا، وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رَدَّاءً وَوَزِيرًا، وَبَعْضٌ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَأَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ، وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَاجًا، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ؛

و ایشان را دست‌آویز به سویت و وسیله به جانب خشنودیت قرار دادی، پس بعضی را در بهشت جای دادی تا آنکه از آنجا بیرونش آوردی و بعضی را در کشتی خود حمل نمودی و او را و هر که همراه او ایمان آورده بود به رحمتت از هلاک شدن نجات دادی و بعضی را برای خود دوست صمیمی گرفتی و از تو درخواست نام نیک، در میان آیندگان کرد و تو درخواست او را اجابت نمودی و نامش را بلند آوازه کردی و با بعضی از میان درخت سخن گفتی، سخن گفتنی ویژه و برای او برادرش را یاور و وزیر قرار دادی و بعضی را بدون پدر به وجود آوردی و دلایل آشکار به او عنایت فرمودی و به روح القدس او را حمایت کردی و برای همه آنان شریعت مقرر فرمودی و راه را روشن و واضح ساختی و جانشینانی اختیار کردی؛

مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مَدَّةٍ إِلَى مَدَّةٍ، إِقَامَةً لِذِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَ لِيَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَنْ سَأَلْتَنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذَلَّ وَنَحْزَى، إِلَيَّ أَنْ انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَحِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛

نگهبانی پس از نگهبان، از زمانی تا زمانی دیگر، برای برپاداشتن دینت و حجتی بر بندگانت، برای اینکه حق از جایگاهش برداشته نشود و باطل بر اهل حق پیروز نگردد و احدی نگوید چه می‌شد اگر برای ما پیامبری بیم‌دهنده می‌فرستادی و پرچم هدایت برای ما برپا می‌نمودی تا بر این اساس از آیات پیروی می‌کردیم، پیش از آنکه خوار و رسوا شویم تا اینکه مقام رسالت و هدایت را به محبوب و برگزیده‌ات محمد (درود خدا بر او و خاندانش) رساندی؛

فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَيْتَهُ سَيِّدٍ مِنْ خَلْقَتِهِ، وَصَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مِنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَانِكَ، وَبِعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ، وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ إِلَى سَمَاوَاتِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَيْلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تَظْهَرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءًا صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ؛

پس بود همان‌گونه که او را برگزیدی، سرور مخلوقات و برگزیده برگزیدگانت و برترین انتخاب شدگانت و گرامی‌ترین معتمدانت، او را بر پیامبران مقدم نمودی و بر جن و انس از بندگانت برانگیختی و مشرق‌ها و مغرب‌های را زیر پایش گذاردی و بُراق را برایش به کار گرفتی و آن شخصیت بزرگ را به آسمان بالا بردی و دانش آنچه بوده و خواهد بود تا سپری شدن آفرینش را به او سپردی، سپس او را با فرو انداختن هراس در دل دشمن یاری دادی و به جبرائیل و میکائیل و نشان‌داران از فرشتگان احاطه کردی و به او وعده دادی که دینش را بر همه دین‌ها پیروز گردانی گرچه مشرکان را خوش نیاید و این کار پس از آن بود که در جایگاه راستی از اهلس جایش دادی؛

وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ لِلَّذِي بِنِجَّةٍ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَقُلْتَ: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)، ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)، وَقُلْتَ: (مَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ)، وَقُلْتَ: (مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا)؛

و قرار دادی برای او و ایشان نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شد که در مکه است، خانه بابرکت و مایه راهنمایی برای جهانیان، در آن خانه نشانه‌های آشکاری است، مقام ابراهیم و هرکه وارد آن شد، در امان بود و در حق آنان فرمودی: جز این نیست که خدا اراده فرموده، پلیدی را از شما خانواده ببرد و شما را پاک گرداند، پاک‌کردنی شایسته، سپس پادشاه محمد را در قرآنت مودت اهل بیت او قرار دادی و فرمودی: بگو من از شما برای رسالت پاداشی جز مودت نزدیکانم نمی‌خواهم و فرمودی: آنچه به عنوان پاداش از شما خواستم، آن هم به سود شماست و فرمودی: من از شما برای رسالت پاداشی نمی‌خواهم، جز کسی که بخواهد، راهی به جانب پروردگارش بگیرد؛

فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسَلَّكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرُ وَ (لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَأَخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ: مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ، وَأَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرَتَيْنِ، وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لِأَنْبِيِّ بَعْدِي، وَزَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ؛

پس آنان راه به سوی تو بودند و راه به حریم خشنودیت، آنگاه که روزگار آن حضرت سپری شد، نماینده‌اش علی بن ابیطالب (درود تو بر آن دو و خاندانشان باد) را، برای راهنمایی برگماشت، چراکه او بیم‌دهنده و برای هر قومی راهنما بود، پس درحالی‌که انبوهی از مردم در برابرش بودند فرمود: هرکه من سرپرست او بودم، پس علی سرپرست اوست، خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست دارد و دشمن بدار کسی را که دشمن علی است و یاری کن هرکه او را یاری کند و خوار کن هرکه او را واگذارد و فرمود: هر که من پیامبرش بودم، پس علی فرمانروای اوست و فرمود: من و علی از یک درختیم و سایر مردم از درخت‌های گوناگون‌اند و جایگاه او را نسبت به خود همچون جایگاه هارون به موسی قرار داد و به او فرمود: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی، جز اینکه پس از من پیامبری نیست و دخترش سرور بانوان جهانیان را به همسری او در آورد و از مسجدش برای او حلال کرد، آنچه را برای خودش حلال بود و همه درهایی را که به مسجد باز می‌شد بست مگر در خانه او را، آنگاه علم و حکمتش را به او سپرد؛

فَقَالَ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ: أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي، لِحُكْمِكَ مِنْ لِحْمِي، وَدَمِكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سَلْمِي، وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْإِيمَانُ مَخَالِطُ لِحْمِكَ وَدَمِكَ كَمَا خَالَطَ لِحْمِي وَدَمِي، وَأَنْتَ غَدًا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي، وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي، وَتَنْجِزُ عِدَاتِي، وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبَيَّضَةٍ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَنُورًا مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلٌ لِلَّهِ الْمَتِينِ، وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمُ؛

و فرمود: من شهر علم و علی دروازه آن شهر است، پس هر که اراده شهر علم و حکمت کند، باید از دروازه آن وارد شود، سپس گفت: تو برادر و جانشین و وارث منی، گوشتت از گوشت من و خونت از خون من و آشتی با تو، آشتی با من و جنگ با تو، جنگ با من است و ایمان با گوشتت و خونت آمیخته شده، چنان‌که با گوشتت و خون من درآمیخته و تو فردای قیامت کنار حوض کوثر جانشین منی و تو قرضم را می‌پردازی و به وعده‌های من وفا می‌کنی و شیعیان تو بر منبرهایی از نورند، درحالی‌که رویشان سپید و در بهشت پیرامون من و همسایگان منند و اگر تو ای علی نبودی، اهل ایمان پس از من شناخته نمی‌شدند و آن حضرت پس از پیامبر، مایه هدایت از گمراهی و نور از نابینایی و ریسمان استوار خدا و راه راست او بود؛

لَا يُسْبِقُ بَقْرَابَةَ فِي رَحْمٍ، وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنَاقِبِهِ، يَخْذُو حَدْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوْبِيلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ، وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ، وَنَاوَشَ ذُؤَابَنَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحَنْبِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَاصْبَتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ، وَأَكْبَتْ عَلَى مُنَادِيَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتْلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ لَمْ يُمْتَلِ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ، وَإِفْصَاءٌ وَلَدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ؛

با نزدیکی‌اش در خویشاوندی به رسول خدا، کسی بر او پیشی نگرفت و همچنین با سابقه‌اش در دین، کسی بر او مقدم نبود و در فضیلتی از فضائل هیچ‌کس به او نرسید، کار پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) را پی گرفت و بر اساس تائویل قرآن جنگ می‌کرد و درباره خدا سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای را به خود نمی‌گرفت، خون شجاعان عرب را، در راه خدا به زمین ریخت و دلاوران‌شان را از دم تیغ گذراند و با گرگانشان در افتاد، پس به دل‌هایشان کینه سپرد، کینه جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آن‌ها را، پس دشمنی او را در نهاد خود جا دادند و به جنگ با او رو آوردند تا پیمان‌شکنان و جفاپیشگان و خارج‌شدگان از دایره دین را کشت و هنگامی‌که درگذشت و او را بدبخت‌ترین پسینیان که از بدبخت‌ترین پیشینیان کرد، به قتل رساند، دستور رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) درباره هدایت‌کنندگان، از پس هدایت‌کنندگان [امامان بعد از پیامبر] اطاعت نشد و امت بر دشمنی نسبت به آن حضرت پافشاری کردند و برای

قطع رحم او و تبعید فرزندانش گرد آمدند، مگر اندکی از کسانی که برای رعایت حق درباره ایشان به پیمان پیامبر وفا کردند؛

فَقْتِلْ مَنْ قَتَلَ، وَسُبِّ مَنْ سُبِّ، وَأَقْصِي مَنْ أَقْصِي، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمُتُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ (يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)، (وَ سُبْحَانَ رَبِّنا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً)، وَلَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَاللَّهِمَا فَلْيَبْكُوا الْبَاكُونَ، وَ إِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْيَنْدَرِفِ الدُّمُوعُ، وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَ يَصْخُجِ الضَّاجُونَ، وَ يَعْجِ الْعَاجُونَ، أَيْنَ الْحَسَنُ؟ أَيْنَ الْحُسَيْنُ؟ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ؟ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ؛

پس کشته شد آنکه کشته شد و اسیر گشت آنکه اسیر گشت و تبعید شد آنکه تبعید شد و قضا بر آنان جاری شد به آنچه بر آن امید پاداش نیک می‌رود، زیرا زمین از خداست، آن را به هر که از بندگانش بخواهد به ارث می‌دهد و سرانجام از آن پرهیزگاران است «و منزّه است پروردگار ما که به یقین وعده پروردگارمان انجام‌شدنی است» و خدا هرگز از وعده خویش تخلف نمی‌کند و او نیرومند حکیم است، پس بر پاکیزگان از اهل بیت محمد و علی (درود خدا بر ایشان و خاندانشان)، باید گریه‌کنندگان بگریند و زاری‌کنندگان زاری کنند و برای مانند آنان باید اشک‌ها روان شود و فریادکنندگان فریاد زنند و شیون‌کنندگان شیون کنند و خروشنندگان بخروشنند، حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجايند؟ شایسته‌ای پس از شایسته دیگر، راستگویی پس از راستگویی دیگر، راه از پس راه کجاست؟

أَيْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ؟ أَيْنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ؟ أَيْنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ؟ أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ؟ أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَقَوَاعِدِ الْعِلْمِ؟ أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعَنْتَةِ الْهَادِيَةِ؟ أَيْنَ الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ؟ أَيْنَ الْمُتَنْظِرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعِوَجِ؟ أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ؟ أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟ أَيْنَ الْمُتَخَيِّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؟ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ؟ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ؟ أَيْنَ هَادِمِ أُنْبِيَةِ الشَّرِكِ وَالنَّفَاقِ؟ أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ؟ أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْعَيِّ وَالشَّقَاقِ؛

کجاست بهترین برگزیده بعد از بهترین برگزیده؟ کجايند خورشیدهای تابان، کجايند ماه‌های نورافشان، کجايند ستارگان فروزان، کجايند پرچم‌های دین و پایه‌های دانش، کجاست آن باقیمانده خدا که از عترت هدایتگر خالی نشود، کجاست آن مهیا گشته برای ریشه‌کن کردن ستمکاران، کجاست آن‌که برای راست نمودن انحراف و کجی به انتظار اویند، کجاست آن‌که به او امید بسته شده برای از بین بردن ستم و دشمنی، کجاست آن ذخیره برای تجدید فریضه‌ها و سنت‌ها، کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن دین و شریعت، کجاست آن آرزو شده برای زنده کردن قرآن و حدود آن، کجاست احیاگر نشانه‌های دین و اهل دین، کجاست در هم‌شکننده شوکت متجاوزان، کجاست ویران‌کننده بناهای شرک و دورویی، کجاست نابودکننده اهل فسق و عصیان و طغیان، کجاست دروکننده شاخه‌های گمراهی و شکاف‌اندازی؛

أَيْنَ طَامِسِ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ؟ أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ؟ أَيْنَ مُبِيدِ الْعُنَاةِ وَالْمَرَدَةِ؟ أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَاللُّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ؟ أَيْنَ مُعْزِ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ؟ أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى النَّقْوَى؟ أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى؟ أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟ أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ؟ أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرِ رَايَةِ الْهُدَى؟ أَيْنَ مُؤَلَّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا؛

کجاست محوکننده آثار انحراف و هواهای نفسانی، کجاست قطع‌کننده دام‌های دروغ و بهتان، کجاست نابودکننده سرکشان و سرپیچی‌کنندگان، کجاست ریشه‌کن‌کننده اهل لجاجت و گمراهی و بی‌دینی، کجاست عزت‌بخش دوستان و خوارکننده دشمنان، کجاست گردآورنده قدرت و اقتدار بر پایه تقوا، کجاست دروازه به سوی خدا که از آن آمده شود، کجاست جلوه خدا که دوستان به سویش روی آورند، کجاست آن وسیله پیوند بین زمین و آسمان، کجاست صاحب روز پیروزی و گسترنده پرچم هدایت، کجاست گردآورنده پراکندگی صلاح و رضا؛

أَيْنَ الطَّالِبِ بِدُخُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ؟ أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُفْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؟ أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى؟ أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا؟ أَيْنَ صَدْرِ الْخَلِيقِ ذُو الْبِرِّ وَالنَّقْوَى؟ أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُنْصُطَفِيِّ، وَابْنِ عَلِيِّ الْمُرْتَضِيِّ، وَابْنِ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ، وَابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؟ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَالْحَمِي، يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا ابْنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ، يَا ابْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهْدَبِينَ، يَا ابْنَ الْغَطَارِقَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا ابْنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُتَنْجِبِينَ، يَا ابْنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا ابْنَ السَّرْجِ الْمُضِيئَةِ، يَا ابْنَ الشُّهْبِ الثَّقَابَةِ، يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ؛

کجاست خواهنده خون پیامبران و فرزندان پیامبران، کجاست خواهنده خون کشته در کربلا، کجاست آن پیروز شده بر هر که به او ستم کرد و بهتان زد، کجاست آن مضطری که اجابت شود هنگامی که دعا کند، کجاست سرسلسله مخلوقات، دارای نیکی و تقوا، کجاست فرزند پیامبر برگزیده و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه روشن جبین و فرزند فاطمه کبری؟ پدر و مادر و جانم فدایت شود، می‌خواهم برایت سپر و حصار باشم، ای فرزند سروران مقرب، ای فرزند نجیبان گرامی، ای فرزند راهنمایان راه یافته، ای فرزند برگزیدگان پاکیزه، ای فرزند بزرگواران نجیب، ای

فرزند پاکان پاکیزه، ای فرزند بزرگواران برگزیده، ای فرزند دریا‌های بی‌کران بخشش و رأفت و محبت، ای فرزند ماه‌های نورافشان، ای فرزند چراغ‌های تابان، ای فرزند ستارگان فروزان، ای فرزند اختران درخشان؛
 يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْتُورَةِ، يَا ابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا ابْنَ التَّبَا الْعَظِيمِ، يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ، يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا ابْنَ الْبِرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَا ابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ، يَا ابْنَ طَهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ؛

ای فرزند راه‌های روشن، ای فرزند نشانه‌های آشکار، ای فرزند دانش‌های کامل، ای فرزند آیین‌های مشهور، ای فرزند نشانه‌های حفظ شده، ای فرزند معجزات موجود، ای فرزند دلیل‌های محسوس، ای فرزند راه مستقیم، ای فرزند خبر بزرگ، ای فرزند کسی که در ام کتاب، نزد خدا، والا و حکیم است، ای فرزند آیات و نشانه‌ها، ای فرزند دلیل‌های آشکار، ای فرزند برهان‌های نمایان، ای فرزند حجت‌های رسا، ای فرزند نعمت‌های کامل، ای فرزند طه و آیات محکم؛

يَا ابْنَ يَسٍ وَالذَّارِيَاتِ، يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا ابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى؟ بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُفْلِكُ أَوْ ثَرِي؟ أِبْرَضُوهُ أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طَوِي؟ عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تَرَى، وَلَا أَسْمَعَ لَكَ حَسِيسًا وَلَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى وَلَا يَبَالُكَ مِنِّي ضَجِيحٌ وَلَا سَكْوَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لِأَيْسَامِي؛

ای فرزند یس و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای فرزند کسی که نزدیک شد، آنگاه درآویخت تا آنکه در دسترسی و نزدیکی به خدای علی اعلی، به فاصله دو کمان یا کمتر بود، ای کاش می‌دانستم خانه‌ات در کجا قرار گرفته، بلکه می‌دانستم کدام زمین تو را برداشته یا چه خاکی؟ آیا در کوه رضوایی یا در غیر آن، یا در زمین ذی طوایی؟ بر من سخت است که مردم را می‌بینم، ولی تو دیده نمی‌شوی و از تو نمی‌شنوم صدای محسوسی و نه رازو نیازی، بر من سخت است که تو را بدون من گرفتاری فراگیرد و از من به تو فریاد و شکایتی نرسد، جانم فدایت، تو پنهان شده‌ای هستی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت، تو دوری هستی که از ما دور نیست، جانم فدایت، تو آرزوی هر مشتاقی که آرزو کند، از مردان و زنان مؤمن که تو را یاد کرده، از فراق ناله کنند، جانم فدایت، تو هم‌بیمان نیرو و توانی که کسی بر او برتری نگیرد؛

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لِأَيْجَارِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٍ لِأَتْصَاهِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ بَصِيفٍ شَرَفٍ لِأَيْسَاوِي، إِلَيْ مَتِي أَحَارٌ فِيكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلَيْ مَتِي؟ وَأَيُّ خُطَابٍ أَصِفُ فِيكَ وَأَيُّ نَجْوَى؟ عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَا عِي، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَكْبِكَ وَيَخْذَلُكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى، هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاطِيلٍ مَعَهُ الْعَوِيلُ وَالْبِكَاءُ؟ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأَسَاعِدُ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا؟ هَلْ قَدَيْتَ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى؛

جانم فدایت، تو درخت ریشه‌دار سرفرازی که هم‌طرازی نپذیرد، جانم فدایت، تو نعمت دیرینه‌ای که او را مانندی نیست، جانم فدایت، تو قرین شرفی که وی را برابری نیست، تا چه زمانی نسبت به تو سرگردان باشم، ای مولایم و تا چه زمان و با کدام بیان، تو را وصف کنم و با چه رازو نیازی؟ بر من سخت است که از سوی غیر تو پاسخ داده شوم و سخن مسرت‌بخش بشنوم، بر من سخت است که برای تو گریه کنم، ولی مردم تو را واگذارند، بر من سخت است که بر تو بگذرد و نه بر دیگران آنچه گذشت، آیا کمک کننده‌ای هست که فریاد و گریه را در کنارش طولانی کنم؟ آیا بی‌تابی هست که او را در بی‌تابی‌اش، هنگامی که خلوت کند یاری رسانم؟ آیا چشمی هست که خار فراق در آن جا گرفته، پس چشم من او را بر آن خار خلیده یاری دهد؟

هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَنَلْقَى؟ هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَ فَنَحْطِي؟ مَتَى نَرُدُّ مَنَاهَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرَوِي؟ مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذَبِ مَا نَكُ فَفَقَدْ طَالَ الصَّدَى؟ مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوُحُكَ فَنُفَوِّرَ عَيْنَا؟ مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتِ لَوَاءَ النَّصْرِ تُرَى أَتْرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تُوْمُ الْمَلَأُ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعُنَاةَ وَجَدَدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَنَنْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛

آیا به سوی تو ای پسر احمد راهی هست تا ملاقات شوی، آیا روز ما به تو با وعده‌ای در می‌پیوندد تا بهره‌مند گردیم، چه زمان به چشمه‌های پر آبت وارد می‌شویم تا سیراب گردیم، چه زمان از آب وصل خوشگوارت بهره‌مند می‌شویم؟ که تشنگی ما طولانی شد، چه زمان با تو صبح و شام می‌کنیم تا دیده از این کار روشن کنیم، چه زمان ما را می‌بینی و ما تو را می‌بینیم، درحالی‌که پرچم پیروزی را گسترده‌ای، آیا آن روز در می‌رسد که ما را ببینی که تو را احاطه کنیم و تو جامعه جهانی را پیشوا می‌شوی درحالی‌که زمین را از عدالت انباشتی و دشمنانت را خواری و کیفر چسانده‌ای و متکبران و منکران حق را نابود کرده‌ای و ریشه سرکشان را قطع نموده‌ای و بیخ و بن ستمکاران را برکنده‌ای تا ما بگوییم: ستایش ویژه خدا، پروردگار جهانیان است؛

